

**Investigating the role of social capital in the rate of spending different leisure patterns among the citizens of Isfahan in urban spaces**

Abstract

Basically, leisure and planning for it has become one of the criteria for recognizing development and evaluating the quality of life, and therefore it is necessary to examine the factors related to the level of different leisure patterns of citizens. Considering the importance of the issue of passing different leisure patterns, this study was conducted to investigate the role of social capital in the rate of passing different leisure patterns among the citizens of Isfahan in urban spaces. The research method is survey and the statistical population of people 18 years and older in the city of Isfahan, whose number according to the latest statistics is about 1500000 thousand people and 600 of these people using the Cochran's formula is considered as a sample size. . The results show that between the total amount of social capital ( $P = 0.34$ ), and its dimensions, ie social trust ( $P = 0.39$ ), social participation ( $P = 0.30$ ), social support ( $0.35 = P$ ), social cohesion ( $P = 0.32$ ) and social awareness ( $P = 0.23$ ) and the rate of passing different leisure patterns of citizens there is a positive and significant relationship; Therefore, all research hypotheses are confirmed. The results obtained from the structural equation model (Smart PLS) also indicate that social capital has a moderate effect on passing different leisure patterns (0.57) and the social capital variable in total (0.32) of the variance of the variable passing different leisure patterns Explains. Keywords: Isfahan city, social capital, leisure, different patterns of leisure, urban space.

Keywords: Isfahan city, social capital, leisure, different leisure patterns, urban space

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان شهر اصفهان در فضاهای شهری

حمید فدایی ده چشمه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

اصغر محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

سید علی هاشمیان فر<sup>۳</sup>

چکیده

اصولاً اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن تبدیل به یکی از معیارهای شناخت توسعه یافتگی و ارزیابی کیفیت زندگی شده است و بنابراین لازم و ضروری است که عوامل مرتبط با میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی شهروندان مورد بررسی قرار گیرد. با عنایت به اهمیت موضوع گذراندن الگوهای مختلف فراغتی این تحقیق به منظور بررسی نقش سرمایه اجتماعی در میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان شهر اصفهان در فضاهای شهری به انجام رسیده است. روش تحقیق پیمایش و جامعه آماری افراد ۱۸ سال به بالای شهر اصفهان است که تعداد آنها بر اساس آخرین آمار در حدود ۱۵۰۰۰۰۰ هزار نفر می‌باشد و تعداد ۶۰۰ نفر از این افراد با بهره‌گیری از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان کل سرمایه اجتماعی ( $P=0/34$ )، و ابعاد آن یعنی اعتماد اجتماعی ( $P=0/39$ )، مشارکت اجتماعی ( $P=0/30$ )، حمایت اجتماعی ( $P=0/35$ )، انسجام اجتماعی ( $P=0/32$ ) و آگاهی اجتماعی ( $P=0/23$ ) و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی شهروندان ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد؛ بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. نتایج بدست آمده از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی بر گذراندن الگوهای مختلف فراغتی تأثیر متوسط داشته (۰/۵۷) و متغیر سرمایه اجتماعی در مجموع (۰/۳۲) از واریانس متغیر گذراندن الگوهای مختلف فراغتی را تبیین می‌کند.

کلیدواژگان: شهر اصفهان، سرمایه اجتماعی، اوقات فراغت، الگوهای مختلف فراغتی، فضای شهری

دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گرایش گروه های اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران<sup>۱</sup>

استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران<sup>۳</sup>

مقدمه

امروزه یکی از معیارها و مشخصه‌های میزان توسعه یافتگی جوامع چگونگی استفاده از اوقات فراغت است. اصولاً اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن تبدیل به یکی از معیارهای شناخت توسعه یافتگی و ارزیابی کیفیت زندگی شده است (جوموت و همکاران، ۲۰۱۶: ۸۶). بررسی رویکردهای مختلف نشان می‌دهد که فعالیت‌های فراغتی می‌توانند شامل انواع گوناگونی از فعالیت‌های باشند. چنین فعالیت‌هایی معمولاً با ذوق و علاقه فرد انطباق دارند و هنگام پرداختن به این فعالیت‌ها فرد می‌کوشد به اهدافی از قبیل تمرکز اعصاب، ارتقای شرایط بدنی یا فکری، به نمایش گذاشتن مهارت‌های فردی، ایجاد ارتباط با افراد دیگر و به طور کلی ایجاد آمادگی برای ادامه کار و زندگی سالم‌تر فراهم آورد (شماعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). اوقات فراغت و نحوه‌ی گذراندن آن، از جمله بحث‌های جدیدی می‌باشد که بعد از انقلاب صنعتی و رشد صنعت و فناوری، توجه جامعه‌شناسان را جلب کرده و به موضوعی دارای اهمیت در زمینه جامعه‌شناسی تبدیل گشته است. مفهوم اوقات فراغت در مقابل اشتغالات و فعالیت‌های روزمره که اغلب عامل خستگی است، به کار می‌رود و تعریف و تبیین آن به ایجاد شاخه‌های جدیدی از علوم اجتماعی با عنوان «جامعه‌شناسی اوقات فراغت» و «انسان‌شناسی اوقات فراغت» انجامیده است (پوش و مرزبان، ۱۴۰۰: ۲۸ - ۲۶).

اوقات فراغت، به عنوان بحث تازه‌ای که حاصل تفکیک کار از منزل، پیشرفت‌های فناورانه و تقسیم کار اجتماعی می‌باشد، این زمینه را فراهم نموده که انسان از اجبارها و محدودیت‌های انتظام اجتماعی جدید فارغ گردد. اوقات فراغت، فعالیتی است که اعضای جامعه فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، از طریق آن استعدادهای خود را توسعه بخشیده، شخصیت خود را گسترش می‌دهند. چگونگی سپری کردن اوقات فراغت، نمودی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است که بهره‌گیری مناسب از آن می‌تواند تأثیر زیادی بر توسعه کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد در یک کشور داشته باشد (خیرصالح و هوسین، ۲۰۱۷: ۵۶۲). فراغت مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که یک شخص با رضایت کامل خود و یا به منظور استراحت، یا برای تفریح، یا برای توسعه یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از رها گشتن از الزامات خانوادگی، شغلی و اجتماعی به آن می‌پردازد. بدین ترتیب با گذر به سوی زندگی مدرن، جدائی فزاینده میان ساعات کاری و فراغت از کار را می‌بینیم؛ بدین جهت در جوامع مدرن، احتمال و زمینه فراغت زیادی برای انسان‌ها فراهم گردیده و نحوه گذراندن آن به یک بحث قابل تأمل تبدیل گشته است. همچنین، فراغت یکی از زمینه‌های دارای اهمیتی می‌باشد که در مطالعات اجتماعی و پژوهش‌های فرهنگی برای شناخت تحولات ارزشی و نگرشی و سبک‌های جدید زندگی به آن توجه می‌شود؛ زیرا این عرصه به دلیل داشتن الزام‌های کمتر و آزادی عمل بیشتر، فضای ایده‌آلی برای بازنمایی ارزش‌ها، نگرش‌ها و ذائقه‌های فرهنگی است (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

بهبود وضعیت محله‌ها مستلزم شناخت دقیق و کامل تمامی جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این مناطق است. دستیابی به اهداف این طرح‌ها مستلزم مشارکت مردم است. یکی از بهترین روش‌ها برای نیل به اهداف نوسازی و بهسازی، استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌ی اجتماعی است؛ به طوری که میزان اعتماد و مشارکت مردم به نهادهای دولتی در ارتباط با بافت‌های محله‌های شهری از جمله شهرداری، سازمان نوسازی و بهسازی و... و همچنین شرکت‌های تسهیل‌گری نوسازی محلات شهری، ارتباط مستقیمی با میزان سرمایه‌ی اجتماعی افراد دارد (عربی و خستو، ۱۳۹۶: ۷۸).

یکی از مهمترین موضوعاتی که درباره‌ی الگوهای فراغتی محلات شهری از آن غفلت شده است، استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان می‌باشد. اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در ارتباط با ایجاد روحیه‌ی مشارکت در میان ساکنان محلات شهری، انکارناپذیر است؛ به طوری که با شناسایی محلات با سطح سرمایه اجتماعی بالا می‌توان به اولویت‌بندی پروژه‌های نوسازی و بهسازی محلات فرسوده‌ی شهری با تأکید بر افزایش زمینه‌های بهره‌گیری از الگوهای متنوع فراغتی پرداخت. سطح اعتماد، میزان مشارکت و انسجام، از ابعاد مهم و اصلی سرمایه اجتماعی هستند که می‌توان از آنها به عنوان بهترین ابزار برای مشارکت و تسریع در روند افزایش زمینه‌های گذراندن اوقات فراغت محلات شهری استفاده کرد (زنگانه و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۷ - ۱۶۶). بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی نقش سرمایه اجتماعی در میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در فضاهای شهری مسئله‌ای مهم و قابل بررسی علمی بوده و در این راستا این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا بین سرمایه اجتماعی در میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان شهر اصفهان به عنوان یکی از شهرهای توریستی و دارای جاذبه‌های مختلف برای گذراندن اوقات فراغت ارتباط معناداری وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

پوش و مرزبان (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل موثر بر نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان» نشان داده‌اند که متغیرهای تحصیلات دانش آموزان و والدین، وسایل و فناوری‌های ارتباطی و تقلید و وابستگی مذهبی، ارزش‌های خانواده، مدرسه و دوستان و جنسیت بر نحوه گذراندن اوقات فراغت نوجوانان، تأثیر دارد.

احمدی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مطالعه چگونگی گذران اوقات فراغت دختران برحسب سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (دختران مجرد گیلان غرب)» به این مهم رسیده‌اند که با توجه به سطح پایین سرمایه فرهنگی و اقتصادی دختران در شهر گیلان غرب، سرمایه اجتماعی، نوع و میزان فعالیت فراغتی آنها را تعیین کرده است و فعالیت‌های فراغتی اصلی (انفعالی) که نتیجه سرمایه اجتماعی و ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است در راستای بهبود و توانمندسازی فرهنگی دختران نیست. بنابراین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فعالیت‌های فراغتی می‌بایست به بستر و زمینه شکل‌گیری فعالیت‌های فراغتی، چگونگی گذران اوقات فراغت دختران و پیامدهای چنین فعالیت‌های فراغتی توجه داشته باشند.

پرجمی و خدایاریان تهرانی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «سرمایه فرهنگی خانواده و الگوهای اوقات فراغت (مطالعه موردی شهر تهران)» نشان می‌دهند الگوی اوقات فراغت افراد، تحت تأثیر میزان سرمایه فرهنگی خانواده آنها می‌باشد. بررسی فعالیت‌های صورت گرفته در اوقات فراغت نشان می‌دهد که فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، بیشترین فراوانی و فعالیت‌های همراه با خانواده کمترین مقدار فراوانی را دارا می‌باشند.

لطفی‌زاده و مهدی‌نژاد (۱۳۹۳) در تحقیق «جستاری بر عوامل تأثیر گذار فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان با رویکرد سرمایه اجتماعی» آورده‌اند که به‌طور کلی اوقات فراغت به زمانی اطلاق می‌گردد که فرد کلیه امور مقید کننده مربوط به کار خواب و سایر نیازهای اولیه را انجام داده و فارغ از چنین قیودی است بی‌تردید هنگام صحبت درباره‌ی اوقات فراغت سخن از ارزشمندی این اوقات است زیرا اوقات فراغت بستر مناسبی برای رشد شخصیت و اعتلای وجود در عین حال زمینه‌ی همواری برای بروز اختلالات رفتاری انحرافات اخلاقی و بزهکاری اجتماعی است.

واصفیان و دیگران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اردستان» از بین فرضیه‌های موجود تنها فرضیه‌ی استفاده از رسانه‌های تلویزیون، رادیو و مشارکت در فعالیت‌های شغلی به منظور کسب درآمد تایید شد.

#### تحقیقات خارجی

کار (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «همراه با ارزیابی رابطه بین اوقات فراغت جوانان و رفتارها در تعطیلات» با هدف مقایسه رفتارهای فراغتی افراد هنگامی که آن‌ها در مبدأ (محل زندگی خودشان) هستند نسبت به زمانی که آنها اوقات فراغت خود را در جای دیگر می‌گذرانند انجام شد. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه عمیق و خود گزارشی جمع‌آوری گردید. نتایج این مطالعه چنین بود افراد هنگامی که خارج از مبدأ هستند نسبت به زمانی که آنها اوقات فراغت خود را در محل زندگی‌شان می‌گذرانند گرایش دارند به شیوه‌های لیبرال‌تری رفتار کنند اما به نظر می‌رسد که رفتارهای فراغتی در خارج از مبدأ گسترشی از فعالیت‌های فراغتی در مبدأ است تا اینکه جدا از آنها باشد. همچنین نشان داده شد که رفتارهای فراغتی تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی قرار دارند.

پژوهشی توسط نامبراسا (۲۰۱۷) تحت عنوان «داشتن یا نداشتن اوقات فراغت و انجام فعالیت جسمی در اوقات فراغت در بین مهاجرین آسیایی در آمریکا» با هدف شناخت رابطه قومیت و مهاجرت با فعالیت‌های جسمی در اوقات فراغت در آمریکا صورت گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که مهاجرین آسیایی در آمریکا در مقایسه با متولدین آمریکا کمتر به فعالیت‌های جسمی در اوقات فراغت می‌پردازند. اما همچنان که تعداد سال‌های اقامت آنها در آمریکا افزایش می‌یابد فعالیت فیزیکی آنها در اوقات فراغت نیز بیشتر می‌شود اما باز هم به صورت قابل توجهی کمتر از فعالیت جسمی متولدین آمریکا می‌باشد این محقق نتیجه می‌گیرد که مهاجران در خطر بیماری‌های ناشی از سطوح پایین فعالیت جسمی و فیزیکی هستند.

گونگ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی با بررسی سفر، فراغت و خانواده بیان کردند که خانواده‌های بدون فرزند به احتمال زیاد مسافرت بیشتری نسبت خانواده‌های دارای فرزند خواهند داشت؛ اما در کل اوقات فراغت کمتری خواهند داشت. عوامل محدود کننده و تعیین کننده اصلی وقت و پول هستند و ویژگی‌های اجتماعی جمعیتی مختلف دیگر به میزان قابل توجهی به هزینه‌های سفرهای تفریحی و کل هزینه همراه وابسته است.

جی لی و بارگاو (۲۰۱۴) در نتایج تحقیق خود نشان دادند که افراد دارای وضعیت تأهل نسبت به افراد مجرد فرصت کمتری را به فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت تخصیص می‌دهند. در بین عوامل اجتماعی- جمعیتی، درآمد خانوار، وضعیت اشتغال، سن، جنسیت و نژاد، عوامل تأثیرگذاری در میزان بهره‌مندی از اوقات فراغت می‌باشند.

پژوهش بعدی که به وسیله واگنر (۲۰۰۶) صورت گرفته شده است، نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی تأثیر بسزائی در اوقات فراغت افراد خواهد داشت. از جمله نتایج دارای اهمیت در تحقیقات واگنر تفاوت بین دو جنس مرد و زن در گذراندن اوقات فراغت و تأثیر عوامل اجتماعی مرتبط با رفتارهای اجتماعی آنها می‌باشد.

#### چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر که نشان دهنده‌ی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و اوقات فراغت است، نظریه بورديو و آپهوف می‌باشد. بورديو دیدگاه تازه‌ای را در زمینه اوقات فراغت و سبک زندگی ایجاد کرده است. وی توجه به عرصه و میدان را مورد تأکید قرار داده است. بدین ترتیب که سرمایه‌هایی مطابق با هر میدان تشکیل می‌گردد، که سبک زندگی متفاوتی را به شکل عادتواره ایجاد می‌کند. وجود شکل‌های مختلف «سرمایه» ایجاد کننده‌ی ساختاری اساسی به منظور ساماندهی عرصه‌ها و بدین ترتیب، تشکیل اقسام متفاوت منش و کنش‌های در ارتباط با آنهاست. بورديو مدعی است که

سرمایه به جز در رابطه با یک عرصه کارکرد و وجودی ندارد. منش کلکسیونی دربرگیرنده خلق و خوهای جمع شده در ویژگی‌های شخصیتی کنشگر بوده که شکل مواجهه‌ی وی با شرایط متفاوت را سمت و سو می‌دهد، Bourdieu, Wacquant, (۱۸: ۲۰۰۲)

به تعبیر پی‌یر بوردیو «اگر می‌خواهیم جهان اجتماعی را به درستی فهم کنیم، لازم است ایده‌ی سرمایه، نحوه انباشت آن و تأثیرات آن را دوباره به دنیای اجتماعی معرفی نمائیم». به اعتقاد بوردیو، سرمایه این توانایی را دارد که به اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد (شارع‌پور و خوشنفر، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

بر اساس نظریه بوردیو، سپری نمودن اوقات فراغت خواهد توانست نشان دهنده سبک زندگی و ذائقه‌هایی خاص باشد که به تمایز افراد از یکدیگر منتهی گردد. به راستی که تمایزبخشی یکی از کارکردهای مهم اوقات فراغت می‌باشد. مفهومی به اسم ذائقه سود چیزی است که بوردیو به منظور تبیین تئوری خویش از آن بهره می‌برد. (ذائقه؛ عملکردی می‌باشد که یکی از کارکردهای اصلی اش این است که به اشخاص ادراکی از جایگاهشان در اجتماع خواهد داد. مصرف در معانی جزئی‌تر و دقیق‌تر بازنمایی سبک‌های زندگی متفاوت و ذائقه‌های متفاوتی را موجب می‌شود و در نهایت این موضوع که سبک‌های مختلف زندگی و ذائقه‌هایی که بر اساس سرمایه‌های بالا تشکیل می‌شوند، در نهایت منتهی به استفاده از کالاهایی می‌گردد که موجب تمایز اجتماعی می‌شود. این منطبق با تمایز در مصرف، در محوریت اصلی توجه بوردیو قرار گرفته شده است (ساترتون، ۲۰۰۱: ۱۸۶ - ۱۸۳). به اعتقاد بوردیو، انتخاب‌هایی که اشخاص مختلف در رابطه با گزینه‌های مختلف فراغت در نظر می‌گیرند، به نحوی اساسی اجتماعی بوده و انسان‌ها سبک‌های مختلف زندگی و کارهای فراغتی را آموزش می‌بینند و نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت آنها با عنایت به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارای تفاوت می‌باشد. بعلاوه، چون افراد مجرد و افراد متأهل و گروه‌های متفاوت در سنین مختلف در جامعه‌ی ما سبک‌های زندگی متفاوتی را دارا می‌باشند و میزان و نحوه فراغت‌های آنها تغییر می‌یابد، بنابراین این متغیرها بر اوقات فراغت مؤثر می‌باشند (حسین‌نژاد دوین و پیری، ۱۳۹۹: ۱۱ - ۱۰).

آپهوف عقیده دارد دو طبقه‌بندی ساختاری و شناختی از سرمایه اجتماعی به میزان زیادی به یکدیگر وابستگی دارند، به نحوی که کمک کردن هر نوع (ساختاری یا شناختی) به دیگری متصور است. تجارب اشخاص این دو نوع را شرطی نموده عواملی مانند فرهنگ، روحیه و نوع تفکر در یک دوره و همچنین عوامل دیگری نیز موجبات تقویت آنها را فراهم می‌آورد. آپهوف در نهایت با توجه به نوع‌های معرفی شده سرمایه اجتماع و با توجه به سبک‌های مختلف زندگی مرتبط با آن اعتقاد دارد که افزایش سرمایه اجتماعی به اشکال شناختی و ساختاری بر سبک زندگی و نحوه فعالیت‌های روزمره (مانند نحوه گذراندن اوقات فراغت) تأثیر می‌گذارد (Uphoff & Wijayaranta, ۲۰۰۰: ۷۶). بنابراین از نظریه‌های بوردیو و آپهوف این فرضیه اصلی استخراج می‌گردد که: بین سرمایه اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

بین سرمایه اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد. (نمودار ۱).

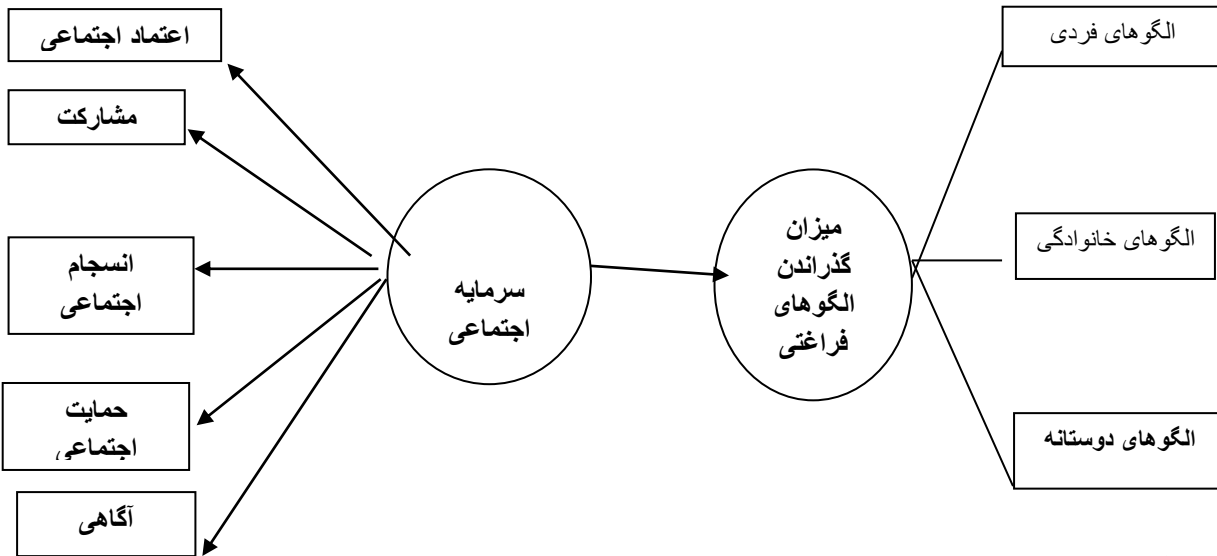
فرضیه‌های فرعی

بین اعتماد اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

بین حمایت اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

بین انسجام اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد. بین آگاهی اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد. بین مشارکت اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان ارتباط وجود دارد.

نمودار ۱: مدل نظری پژوهش



روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با توجه به شکل داده‌ها، تحقیق کمی بوده و از جهت شیوه مواجهه با مسأله تحقیق و ورود به آن تحقیق میدانی محسوب می‌گردد و روش استفاده شده در این تحقیق پیمایش است. در این تحقیق به منظور گردآوری داده‌های لازم از ابزار پرسشنامه بهره‌برده شده است. قبل از شروع پژوهش، پرسشنامه اولیه مورد آزمون واقع شده و با بهره‌گیری از نتایج اخذ شده، نقص‌های فعلی رفع و پرسشنامه نهایی تدوین شد.

جدول ۱. پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرون باخ

متغیر	شاخص	ضریب آلفا
سرمایه اجتماعی	انسجام اجتماعی	۰/۷۱۶
	حمایت اجتماعی	۰/۷۰۹
	اعتماد اجتماعی	۰/۸۲۴
	مشارکت اجتماعی	۰/۸۰۱
	آگاهی اجتماعی	۰/۷۳۴
الگوهای فراغتی	الگوهای فردی	۰/۸۰۵
	الگوهای خانوادگی	۰/۸۲۱
	الگوهای دوستانه	۰/۷۸۸

جامعه آماری این تحقیق، کلیه افراد بالاتر از ۱۸ سال شهر اصفهان می‌باشد که تعداد آنها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در حدود ۱۵۰۰۰۰۰ هزار نفر می‌باشد. به منظور تبیین نظریات جامعه مورد بررسی از روش «نمونه‌گیری» استفاده شده که بر اساس فرمول کوکران تعدادی از اشخاص (۶۰۰ نفر با ضریب خطای ۰/۰۴) که نشان دهنده جامعه آماری هستند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

$$N = 1500000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad q = 0/5 \quad d = 0/04$$

همچنین شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده در دو مرحله می‌باشد.

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/04)^2}}{1 + \frac{1}{1500000} \left( \frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/04)^2} - 1 \right)} = 600$$

بدین صورت که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تعدادی از محله‌های شهر اصفهان انتخاب و از هر محله به شیوه تصادفی نمونه نهایی استخراج شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با بهری گیری از نرم افزار SPSS و PLS Smart انجام و در این راستا برای بررسی فرضیه‌ها، آزمون‌های آماری متناسب مورد استفاده قرار گرفت. در این راستا به منظور اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مجرب و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ به منظور اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه اقدام گردیده، که بر پایه ضریب آلفا میزان پایایی کلیه متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۷ است.

تعریف متغیرهای پژوهش

سرمایه اجتماعی

تعریف مفهومی: «سرمایه اجتماعی»، مجموعه‌ای از موهبت‌ها و امتیازات اجتماعی است که ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی دارد و متناسب با فرهنگ بومی یا ملی هر جامعه‌ای، به تسهیل و تشدید همگرایی میان افراد و گروه‌های آن جامعه می‌انجامد و افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد تا با یکدیگر کار کنند (مرتضائی، ۱۳۹۸: ۳).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق سرمایه اجتماعی با شاخص انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی می‌باشد.

الگوهای مختلف فراغتی

تعریف مفهومی: مکس کاپلان در کتاب فراغت خود نوشته است فراغت شامل فعالیت‌ها و تجارب نسبتاً خودجوشی است که در زمان آزاد فرد اتفاق می‌افتد و به لحاظ روانشناختی خاطرات خوبی را برای فرد تداعی می‌کند و دامنه وسیعی از مشارکت‌ها را دربر می‌گیرد. همچنین موقعیت‌هایی را برای تفریح، رشد شخصیتی و کمک به دیگران مهیا می‌کند. برایت بیل فراغت را زمان بیکاری با آزادی عمل معرفی می‌کند که فرد برای استراحت یا انجام آنچه که دلخواه اوست، آزاد باشد. او بیان می‌کند فراغت زمانی است که احساس مسئولیت در آن به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد. بنابراین فراغت زمانی اتفاق می‌افتد که حداقل احساس اجبار وجود داشته باشد و آن را به دلخواه و انتخاب خود مورد استفاده قرار می‌دهیم (حسین نژاد دوین و پیری، ۱۳۹۹: ۱۰ - ۹).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش الگوهای مختلف فراغتی با شاخص‌های الگوهای فردی، الگوهای خانوادگی و الگوهای دوستانه مورد سنجش قرار گرفته شده است.



## نظریه های اوقات فراغت

به نظر ویلن، طبقه‌ی مرفه یا تن‌آسا ابتدا از طریق کسب مال و ثروت تشکیل شد. ثروت بیشتر، قدرت بیشتری را برای این طبقه به همراه آورده است. داشتن ثروت اگر چه منبع منزلت بوده است لیکن نشان دادن این ثروت افتخارآمیز است. به نظر وی، در ابتدا «فراغت خودنمایانه» که از طریق اشتغال فرد به کارهای غیر تولیدی نمایش داده می‌شد، نشان دهنده ثروت فرد بود. کار غیرتولیدی نشان می‌داد که فرد برای فراغت و تفریح و نشاط کار می‌کند و اشتغال به کار مولد به طبقات پایین تر اختصاص دارد. فراغت خودنمایانه در اجتماعات کوچک کاربرد داشت. ولی در جامعه شهری نمی‌شد از این طریق ثروت را به نمایش گذاشت. در مرحله شهر نشینی این «مصرف خودنمایانه» است که در خدمت نشان دادن ثروت قرار می‌گیرد. کارکرد دیگر مصرف خودنمایانه این است که میان فرد و ریشه های وی فاصله می‌اندازد (فرخی و فضلی، ۱۳۹۹: ۵۶). از نگاه مایک فدرستون آن چه در پست مدرنیته یافت می‌شود تأکیدی است بر محو شدن مرز میان هنر و زندگی روزمره، فرو ریختن تمایز بین هنر والا و فرهنگ توده‌ای عامیانه، آشفتگی سبکی کلی و در هم آمیختن بازیگوشانه‌ی نشانه‌ها و رمزها. این ویژگی‌های کلی نظریه‌های پست مدرن که بر متعادل و همتراز کردن سلسله مراتب نمادین، ضد بنیادگرایی و تمایلی کلی به سوی طبقه‌بندی زدایی فرهنگی پا می‌فشارند، می‌توانند به اموری که به عنوان تجارب نوعی پست مدرن در نظر گرفته می‌شوند، مرتبط گردند. تأکید بر زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره و تبدیل واقعیت‌ها به ایماژها و از هم گسیختگی زنجیره‌ی منظم دال‌ها از نمونه مواردی است که فدرستون از بودریار و جیمسن حجت‌آوری می‌کند. در حالی که بسیاری از این نظریه‌ها حاوی مثال‌هایی حاکی از شدت یافتن تولید ایماژ در رسانه‌های گروهی و فرهنگ مصرفی به طور کلی هستند، آدمی می‌تواند آن‌ها را در توصیف‌های شهر امروزی بیابد (فدرستون، ۱۳۸۰: ۱۸۸).

استانلی پارکر اعتقاد دارد نفس ذات فراغت، صرفاً در رابطه با تلاش و کوشش قابلیت درک دارد، بدون تلاش و کوشش، فراغت معنایی پیدا نمی‌کند و فعالیت‌های فراغتی جوامع صنعتی می‌باشد که گسترش فعالیت‌های فراغتی را باعث می‌گردد، حسب تئوری پارکر، کار به حدی توانائی تبدیل به فراغت دارد که افزون بر آنکه ادامه و استمرار کار به حساب آید، توانائی آن را داشته باشد تا تصورات فرد را نسبت به کار تصحیح نماید، اگر احساس نارضایتی در کار حس شود، زمینه ترمیمی فراغت آشکار می‌گردد (توسلی، ۱۳۹۸: ۱۲۶). از نظر ماکس کاپلان اوقات فراغت نوعی فعالیت فرهنگی است که ذاتی با هویت بازی و سرگرمی دارد، فراغت لازم است از دو جنبه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته شود. به معنی یک رضایت درونی و بعدی، ارزشی در نظر گرفته می‌شود که جامعه بر آن قائل می‌باشد (حسین‌نژاد دوین و پیری، ۱۳۹۹: ۷).

نومیر از اندیشمندان صاحب‌نظر در زمینه اوقات فراغت، معتقد است که عوامل فردی فراغت دربرگیرنده سلیقه‌های اجتماعی، حالت‌های عاطفی و عادت‌ها می‌باشد و می‌افزاید که علاقه‌ها و تمایلات نخستین آدم‌ها به جز گرسنگی و تشنگی، علاقه و عشق به کمک دیگر افراد را در بر می‌گیرد نومیر به رابطه فراغت و فرهنگ معتقد بوده و می‌گوید که با تحولات جوامع و فرهنگ‌ها در مسیر تاریخ فراغت هم با تحولات مختلفی روبرو گشته است، این تحولات از عرف‌های قومی در قدیم به شکل نهاد در سالیان اخیر به نحوی می‌باشد که اکنون فراغت شکل قسمتی از ارزش‌های دارای مقبولیت و با اهمیت جامعه را به خود گرفته است (موموندی، ۱۳۸۰: ۴۳ - ۴۲). کلارک و کریپتچر در نظریه خود عنوان می‌کنند که انتظار از زنان این است که (و خود آنها نیز انتظار دارند) در آن بخش از فعالیت‌های فراغتی مشارکت یابند که در گذر زمان و مکان تطبیق یافته با کاراکترهای اثبات شده‌ی آنها متناسب و درخور مورد تعریف قرار گرفته

باشد. در قلمرو مطالعات فمینیستی، اوقات فراغت به عنوان جایگاهی برای پدرسالاری در نظر گرفته شده است. به طور غالب خود زنان قبول دارند این موضوع که «کارهای واقعی» بیشتر توسط مردان انجام می‌گیرد، باعث توسعه تفکرات پدرسالارانه می‌گردد و این موضوع باعث می‌شود زنان به مردان این حق را می‌دهند که اوقات فراغت داشته باشند. زنان در شکل‌های متفاوتی از فراغت مشارکت دارند و تجربه‌ی فراغت زنان، نسبت به فراغت مردان، دارای وضعیتی حساس و انتقادی بوده اما با این وجود تشکیلات جنسیتی فراگیر است و نابرابری‌های جنسی در تعداد زیادی از انتظارات و وابستگی‌های آشکار و پنهان مربوط به فراغت زنان قابل دیده شدن است (حسین‌نژاد دوین و پیری، ۱۳۹۹: ۸).

#### نظریه‌های سرمایه اجتماعی

جیمز کلنن در مباحث خود درباره سرمایه اجتماعی، در تعاملات میان اشخاص از مفهوم اعتماد به عنوان برگ اعتباری دارای اهمیت نام برده است که عملکرد آن به طور کامل مشابه سرمایه مالی خواهد بود؛ یعنی فرد قادر است که انتظار داشته باشد که اگر کاری را برای شخص دیگری به انجام رساند، او نیز در آینده آن‌را جبران می‌نماید. بنابراین، افراد تعدادی دیون تسویه نشده را دارا هستند که قادرند در هر زمانی که امکان آن باشد، روی نقد کردن آنها برنامه‌ریزی نمایند. حاصل شدن سرمایه اجتماعی به طور کلی ناشی از تغییراتی است که در روابط میان اشخاص ظهور می‌یابد که تسهیل‌گر منش آنان نیز می‌باشد. اگر سرمایه فیزیکی کاملاً قابل لمس می‌باشد و سرمایه انسانی کمتر قابل لمس است و در علوم و مهارت‌های کسب شده توسط فرد حضور دارد، سرمایه اجتماعی به مراتب کمتر قابل لمس است؛ زیرا در روابطی که ما بین اشخاص برقرار است، یافت شده و مولد می‌باشد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸-۲۹۷). عقیده اصلی سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام عبارت از «شبکه‌ها و هنجارهای مرتبط با عمل متقابل»؛ او نیز همچون کلنن بر مفید بودن و کارکرد مثبت سرمایه اجتماعی برای انسان‌ها تاکید می‌نماید و برای کم شدن میزان سرمایه اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن نگران است. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر پاتنام، منابعی که در کنش‌های اعضای جامعه قابل دیدن و لمس شدن است اعتماد و رابطه متقابل اعضا در شبکه می‌باشد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام‌های سیاسی است. به نظر وی، سرمایه اجتماعی، شاخص‌های گوناگون سازمان اجتماعی، مانند اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه را در برمی‌گیرد که با تسهیل کردن اقدامات به وسیله آنها، موجبات بهبود کارایی جامعه را فراهم می‌آورد. لذا از نظر پاتنام، اعتماد اجتماعی عنصری از عناصر مهم سرمایه اجتماعی می‌باشد که منتهی به تسهیل همکاری‌ها می‌گردد؛ شبکه‌های اجتماعی نیز منتهی به توسعه اعتماد اجتماعی در سطح جامعه می‌گردد (عباس‌زاده و مقتدایی، ۱۳۸۸: ۸-۵).

بورديو در تعريف و توصيف و تشریح ابعاد هر یک از انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در پی نحوه اثرگذاری آنها بر پایداری ساختار طبقاتی جامعه و وجود نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد. به نظر وی، مقدار و کیفیت وجود هر یک از این سرمایه‌ها در دست افراد و گروه‌ها نشان دهنده جایگاه اجتماعی آنها در سلسله مراتب اجتماعی می‌باشد. بنابراین، افراد تلاش می‌کنند از جایگاه و قدرت اجتماعی بیشتر با افزایش دادن میزان سرمایه‌های مختلف خود برخوردار شده و تلاش به منظور تحصیل سرمایه افزایش پیدا می‌کند. از دیدگاه بورديو، سرمایه اجتماعی عبارت است از: مجموعه منابع مادی یا معنوی که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده برای آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد. بورديو در تعريف خود از سرمایه اجتماعی معتقد است که این‌گونه از سرمایه دارای دو عنصر می‌باشد: عنصر نخست روابط اجتماعی است که افراد را در دسترسی به منابعی

توانمند می‌سازد که سایر افراد یعنی هم گروه‌های او مالک آنهایند و آنها را تصاحب کرده‌اند. و دوم میزان و کیفیت منابعی که فرد حصول می‌نماید. سرمایه اجتماعی می‌تواند این امکان را برای فرد فراهم آورد تا بتوانند به منابعی همانند اطلاعات، فرصت‌های اقتصادی و آموزشی دسترسی یابند (مرتضائی، ۱۳۹۸: ۸ - ۶). فوکویاما نیز مانند پاتنام در تعریف سرمایه اجتماعی هنجارها و ارزش‌ها را ملاک قرار می‌دهد. البته او بیشتر هنجارها و ارزش‌های غیررسمی را در نظر گرفته و آنها را در یک گروه مد نظر قرار می‌دهد. به عقیده فوکویاما، از یک طرف، بی‌اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی می‌گردد و به انزوای، ذره‌ای گشتن، گسسته شدن پیوندها و در نهایت از میان رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد؛ و از طرف دیگر، با تحریک و برانگیختن اشخاص و جستجو به منظور پیدا کردن جانشین‌ها، اکثر اوقات با پذیرفتن هویت‌های غیرقانونی (در گروه‌های بزهکاری، خرده فرهنگ‌های انحرافی و سایر موارد شبیه آن) شخص را از حالت خود خارج و او را دچار از خودبیگانگی می‌نماید (عباس‌زاده و مقتدایی، ۱۳۸۸: ۸ - ۵).

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

سرمایه اجتماعی

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب سرمایه اجتماعی

زیاد		متوسط		کم		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۰	۱۸۰	۳۱/۶۷	۱۹۰	۱۵/۳۳	۹۵	۶/۶
۱۶/۸۳	۱۰۱	۳۸/۳۳	۲۳۰	۱۶/۸۳	۱۰۱	۱۶/۶
۲۴/۳۳	۱۴۶	۴۰/۸۴	۲۴۵	۱۶/۳۳	۹۸	۹/۲
۲۵	۱۵۰	۴۱/۵۰	۲۴۹	۱۶	۹۶	۹/۲
۳۰	۱۸۰	۳۰/۸۳	۱۸۵	۱۸/۳۳	۱۱۰	۷/۵



/	/		/	۱	/	۰	/	۱	/	۰	گ و ه ا ی ف ر د ی
۲	۱ ۱		۱ ۶		۳ ۸		۱ ۶		۱ ۶		
۳ ۵ /	۶ ۶ /	۱ ۰ ۶	۳ ۳ /	۱ ۷ ۰	۳ ۳ /	۲ ۱ ۸	۱ ۱	۶ ۶	۶ ۶ /	۴ ۰	ا ل گ و ه ا ی خ ا ن و ا د گ ی
۳ ۲	۱ ۷		۲ ۸		۲ ۶				۶		
۲ ۱ /	۶ ۷ /	۸ ۵	۳ ۴ /	۸ ۰	۵ ۰ /	۲ ۸ ۵	۶ ۷ /	۱ ۰ /	۰ ۲ /	۵ ۰	ا ل گ و ه ا ی
۳	۱ ۴		۱ ۳		۴ ۷		۱ ۶		۱ ۳		

											د و س ت ا ز ه
۱ ۴ / ۲											م ی ز ا ن ک ل ا ل گ و ه ا ی ف ر ا غ ت

در فضاهای شهری جدول ۱ در راستای بررسی الگوهای فراغت و مؤلفه‌های آن، نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های الگوهای فراغت بیشترین میانگین مربوط به الگوهای خانوادگی (۳/۳۹) و کمترین میانگین مربوط به الگوهای فردی (۲/۸۹) می‌باشد. میانگین الگوهای دوستانه (۳/۲۱) و میانگین کلی الگوهای فراغت نیز (۳/۱۶) می‌باشد که میزان آن کمی بالاتر از متوسط است.

آزمون کلموگروف - اسمیرنوف به منظور تعیین توزیع نرمال یا غیرنرمال داده‌ها به منظور بهره‌گیری از آزمون‌های پارامتریک، شرایطی مهیا می‌باشد که یکی از آنها عبارت است از: شرط توزیع نرمال داده‌ها.

جدول ۴. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

مقیاس‌ها	حمایت اجتماعی	انسجام اجتماعی	آگاهی اجتماعی	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	الگوهای فراغت
تعداد	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰	۶۰۰
مقادیر کلموگروف- اسمیرنوف	۲/۴۰	۲/۲۵	۳/۱۷	۲/۶۹	۲/۹۰	۲/۵۷
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۱۴	۰/۰۷۸	۰/۰۹۱	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۹

بر اساس نتایج میزان معناداری کلیه متغیرهای فوق بالاتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین نمایانگر توزیع نرمال داده‌ها است. لذا با توجه به این وضعیت امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود دارد. آزمون فرضیه‌ها

بین سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف آن (انسجام، مشارکت، حمایت، اعتماد و آگاهی اجتماعی) با میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی وجود دارد. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۵. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

ز	شا	میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی
ا	خ	
م	ص	
م	ها	
م		
ت	ض	س
غ	ر	ط
ی	ی	ح
ر	ب	م
	ه	ع
	م	ز
	ب	ا
	س	د
	ت	ا
	گ	ر





۱	/	ی	
/	۰	ا	
۰		ج	
		ت	
		م	
۰	۳	ی	
۰	۴	م	
۰	/	ز	
/	۰	ا	
۰		ن	
		ک	
		ل	
		س	
		ر	
		م	
		ا	
		ج	
		ت	
		م	
		ی	

یافته‌ها نشان می‌دهند که مابین میزان کل سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن با گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در شهر اصفهان رابطه مثبت، مستقیم و معنادار وجود دارد. در این بین رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی دارای بیشترین ضریب همبستگی ( $P=۰/۳۹$ ) و رابطه بین آگاهی اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی دارای کمترین ضریب همبستگی ( $P=۰/۲۳$ ) می‌باشند.

همچنین بین حمایت اجتماعی ( $P=۰/۳۵$ )، انسجام اجتماعی ( $P=۰/۳۲$ ) و مشارکت اجتماعی ( $P=۰/۳۰$ ) با گذراندن الگوهای مختلف فراغتی ارتباط مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین در جمع‌بندی کلی می‌توان عنوان نمود که هر چه میزان به سرمایه اجتماعی ( $P=۰/۳۴$ ) و ابعاد آن بیشتر شود میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی توسط شهروندان بیشتر می‌شود و بنابراین با توجه به یافته‌های فوق تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرند. تحلیل رگرسیونی:

هر یک از متغیرهای مستقل به چه میزان متغیر وابسته پژوهش را تبیین می‌کنند؟

جدول ۵. تحلیل رگرسیونی

						م	م
						ت	د
						غ	ل
						ی	
						ر	۱
T o l	V I F	s i g	t	$\beta$	B		

						<p>ه ا ی ب ب ن</p>	
<p>بررسی نقش سرمایه اجتماعی در میزان گذراندن الگوهای</p>	<p>۷ ۷ ۸ /</p>	<p>۰ ۰ ۳ /</p>	<p>۶ ۱ /</p>	<p>-</p>	<p>۲ ۶ ۴ /</p>	<p>م ت د ا ر ث ا ب ن</p>	
<p>مختلف فراغتی در بین شهروندان شهر اصفهان در فضاهای شهری</p>	<p>۴ ۴ ۴ /</p>	<p>۰ ۰ ۰ /</p>	<p>۷ ۶ /</p>	<p>۴ ۱ ۱ /</p>	<p>۳ ۱ ۶ /</p>	<p>ا ب ن م ا د لا ن م</p>	



ت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
آ	۰	۲	۱	۰	۰	۰	۰
گ	۷	۵	۵	۰	۰	۰	۰
ا	/	۳	/	۱	۰	۰	۰
ه	۲	/	۱	/	۰	۰	۰
ی		۰		۰	۰	۰	۰
۱							
۲							
۳							
۴							
۵							
۶							
۷							

بررسی نقش سرمایه اجتماعی در میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در بین شهروندان شهر اصفهان در فضاهای شهری

#### متغیر وابسته: الگوهای مختلف فراغتی

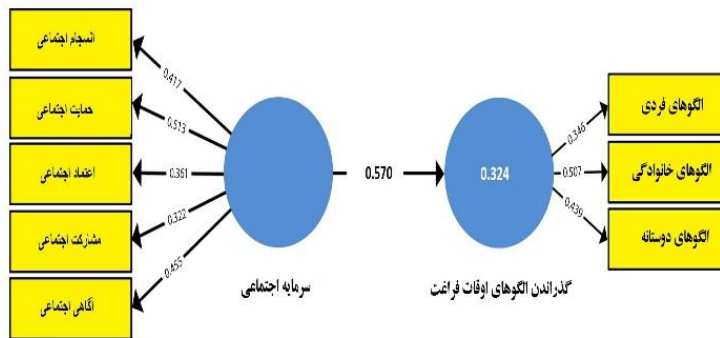
جدول فوق نشان‌دهنده مقادیر مختلف ضرایب در معادله رگرسیونی و اندازه‌های احتمالی مبنی بر شکل‌گیری ارتباط خطی فی مابین متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن بوده که کلیه مولفه‌ها در مدل ارتباطی، دارای مقادیر  $t$  بالاتر از ۲ و سطح معنی‌داری پایین‌تر از ۰/۰۵ می‌باشند. لذا با توجه به توضیحات ارائه شده متغیرهای فوق‌الذکر قابلیت پیش‌بینی متغیر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی را دارا هستند. در این مدل قویترین متغیری که می‌تواند متغیر وابسته را پیش‌بینی نماید، متغیر انسجام اجتماعی بوده که مقدار تاثیر آن ۰/۴۱۱ می‌باشد ( $\beta=0.411$ ). این نکته لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با گذراندن الگوهای مختلف فراغتی دارای شدت متوسطی ( $R=0.50$ ) است. همچنین به صورت کلی متغیرهای فوق‌الذکر قادر بوده اند که به میزان ۰/۲۵ تغییرات متغیر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی را تبیین معنادار کنند ( $R^2=0.25$ ).

مدل معادله ساختاری (Smart PLS) در جهت بررسی تعیین شدت و جهت تأثیر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی بر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی

به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی و همچنین میزان کل آن با میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در شهر اصفهان از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل‌های معادله ساختاری پژوهش پرداخته می‌شود. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص‌های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده‌های تجربی در مجموع حمایت کننده‌ی مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در شهر اصفهان) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر سرمایه اجتماعی بر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی



جدول ۷. برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GO F	SRM R	NFI
مقدار	۰/۸۲	۰/۰۸۴	۰/۹۰

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۸. برآورد اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی

م	م	م	م	م	م
ت	س	ت	ت	ت	ت
غ	ی	غ	ی	ی	ی
ی	ر	ی	ب	ب	ب
ر	ر	ر	ت	ت	ت
و	و	و	ا	ا	ا
ا	ا	ا	ث	ث	ث
س	س	س	ر	ر	ر

ت ق ل	ب م ت ه	ن	ا ن ی	ا ن ی
س ر م ا ی ه	م ی ز ا ن	۳ ۲ ۴ / ۰	۵ ۷ ۰ / ۰	۱/۲

				ر		
				ا		
				غ		
				ت		
				ی		

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر سرمایه اجتماعی در مجموع ۰/۵۷ از واریانس متغیر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی را تبیین می‌کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۲) برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیر سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی را دارد. (۲) اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه‌ی کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر سرمایه اجتماعی بر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش میزان سرمایه اجتماعی می‌تواند در حد متوسط منجر به میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی گردد.

#### نتیجه‌گیری

همانطور که ذکر شد اوقات فراغت به عنوان بحث تازه‌ای که حاصل تفکیک کار از منزل، پیشرفت‌های فناورانه و تقسیم کار اجتماعی می‌باشد، این زمینه را فراهم نموده که انسان از اجبارها و محدودیت‌های انتظام اجتماعی جدید فارغ گردد. اوقات فراغت، فعالیتی است که اعضای جامعه فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، از طریق آن استعدادهای خود را توسعه بخشیده، شخصیت خود را گسترش می‌دهند. چگونگی سپری کردن اوقات فراغت، نمودی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است که بهره‌گیری مناسب از آن می‌تواند تأثیر زیادی بر توسعه کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد در یک کشور داشته باشد.

در همین راستا، با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در این پژوهش به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی همچون اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و آگاهی اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و ارتباط آن با میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته‌ها نشان می‌دهند که مابین میزان کل سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن با گذراندن الگوهای مختلف فراغتی در شهر اصفهان رابطه مثبت، مستقیم و معنادار وجود دارد. در این بین رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی دارای بیشترین ضریب همبستگی ( $P=0/39$ ) و رابطه بین آگاهی اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی دارای کمترین ضریب همبستگی ( $P=0/23$ ) می‌باشند.

همچنین بین حمایت اجتماعی ( $P=0/35$ )، انسجام اجتماعی ( $P=0/32$ ) و مشارکت اجتماعی ( $P=0/30$ ) با گذراندن الگوهای مختلف فراغتی ارتباط مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین در جمع‌بندی کلی می‌توان عنوان نمود که هر چه میزان به سرمایه اجتماعی ( $P=0/34$ ) و ابعاد آن بیشتر شود میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی توسط شهروندان بیشتر می‌شود و بنابراین با توجه به یافته‌های فوق تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرند. نتایج بدست آمده از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی بر گذراندن الگوهای مختلف

فراغتی تأثیر متوسط داشته (۰/۵۷) و متغیر سرمایه اجتماعی در مجموع (۰/۳۲) از واریانس متغیر گذراندن الگوهای مختلف فراغتی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر متغیر سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی را دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین سرمایه اجتماعی و میزان گذراندن الگوهای مختلف فراغتی با یافته‌های پژوهش‌های لطفی‌زاده و مهدی‌نژاد (۱۳۹۳) و احمدی و دیگران (۱۳۹۹) همخوانی دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و الگوهای مختلف فراغتی ارتباط وجود دارد.

بنابراین مشاهده می‌شود که سرمایه اجتماعی یکی از منشاءهای بااهمیت در نحوه سپری کردن اوقات فراغت در میان مردم بوده و با افزایش سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف میزان الگوهای مختلف اوقات فراغت افزایش پیدا می‌کند. در سایه تحقق سرمایه اجتماعی امکان فعالیت جمعی و تعاون و همکاری بین افراد فراهم می‌شود و بدین ترتیب به عنوان عاملی مؤثر در تقویت حس احترام افراد به حقوق یکدیگر، مانع رفتارهای منفعت‌جویانه افراد به نفع خود و به ضرر اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند می‌شود. بر این اساس سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی مهم برای حفظ و نگهداری سلامت جامعه و توانمندی جامعه مدنی و نحوه گذراندن اوقات فراغت پذیرفته می‌شود.

سرمایه اجتماعی تمایل شهروندان را به تعامل و همکاری افزایش داده و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه مبتنی بر اعتماد و انسجام بین گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد. سرمایه اجتماعی مانند شیرازه‌ای افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد و از انفصال و پراکندگی آنها جلوگیری می‌کند و بنابراین مشارکت، پیروی از قانون و عام‌گرایی پدید می‌آید که هر کدام از موارد مذکور سبک زندگی مبتنی بر فراغت افراد را ارتقاء می‌بخشد.

#### منابع

- احمدی، وکیل و کریمی، جلیل و محمدی، پرستو. (۱۳۹۹). مطالعه چگونگی گذران اوقات فراغت دختران برحسب سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی (دختران مجرد گیلانغرب). *فصلنامه جامعه شناسی فرهنگ و هنر*، دوره: ۲، شماره: ۲. صص ۵۹-۸۰.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور
- پرچمی، داود و خدایاریان طهرانی، فایزه. (۱۳۹۹). سرمایه فرهنگی خانواده و الگوهای اوقات فراغت (مطالعه موردی شهر تهران). *سازمان بین المللی مطالعات دانشگاهی: پنجمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی*.
- پوش، حسن و مرزبان، احمدرضا. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان. *میناب: همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم*.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۸). *جامعه شناسی کار و شغل*. تهران: انتشارات سمت.
- حسین‌نژاد دوین، ربابه؛ پیری، هانا. (۱۳۹۹). ارتباط اوقات فراغت با بهداشت روان. *محمودآباد: پنجمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش*.
- رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان. *فراغت و ارزش‌های فرهنگی*. *تحقیقات فرهنگی ایران*. دوره ۴، شماره ۱ (پیاپی ۱۳). صص ۱۹۰-۱۵۱.



- زنگانه، فاطمه و باستانی، مهیار و سردشتی، سهراب. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل تاثیر گذار در فضاهای عمومی مجتمع های مسکونی بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین. شیراز: سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
- شارع‌پور، محمود و خوشفر، غلامرضا. (۱۳۸۱). رابطه‌ی سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: شهر تهران). *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۰. صص ۱۳۳-۱۴۷.
- شماعی، علی؛ ویسی، رضا؛ احمدی، سجاد. (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی کاربری‌های اوقات فراغت مناطق شهرداری شهر اصفهان در دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵. *کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی*. شماره ۲، صص ۱۷۱ - ۱۴۷.
- عباس‌زاده، محمد و مقتدایی، لیلا (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی و دانش آفرینی. *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۱. صص ۳-۲۸.
- عربی، رحیم و خستو، مریم. (۱۳۹۶). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تحقق اهداف طرح های توسعه شهری (محدوده مورد مطالعه شهر قزوین). قزوین: چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایدار و تاب آوری از آرمان تا واقعیت.
- فدرستون، میک. (۱۳۸۰). زیبایی شناختی کردن زندگی روزمره. ترجمه مهسا کرم پور. *ارغنون*. شماره ۱۹. صص ۱۸۷-۲۲۸.
- فرخی، میثم و فضل‌ی، اسمعیل. (۱۳۹۹). اوقات فراغت شهروندان متأثر از فضاهای شهری. تهران: چهارمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات نوین مهندسی عمران، معماری، شهرسازی و محیط زیست در قرن ۲۱.
- لطفی‌زاده، غزل و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین. (۱۳۹۵). جستاری بر عوامل تاثیر گذار فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان با رویکرد سرمایه اجتماعی. تهران: سومین کنفرانس سراسری نوآوری های اخیر در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی.
- مرتضائی، سها. (۱۳۹۸). تبیین مفاهیم طبقه و کنش در چارچوب نظری بوردیو. تهران: دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی.
- موموندی، افسر. (۱۳۸۰). بررسی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین. تهران: طرح پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- واصفیان، فرزانه؛ باقری، محمد؛ آزادی پور، شیوا؛ واصفیان، فریبا. (۱۳۹۳). بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اردستان. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، دوره ۴، شماره ۱۳. صص ۱۵۶-۱۴۵.
- Bourdieu, Pierre and Wacquant, Loic. (2002), "An Invitation to Reflexive Sociology", Polity Press. Pp, ۱۲-۲۸.
- Carr, Neil. (2018). "Going with the flow an assessment of the relation ship between young people's leisure and holiday behavior". *Tourism Geographies* vole 4, Issue .2, pp. ۱۱۵-۱۳۴.
- G. Lee, Yoon and Bhargava, Vibha. (2014). Leisure Time: Do Married and Single Individuals Spend It Differently? *Family and Consumer Sciences Research Journal*, Vol.32:254-174.
- Gong-Soog Honga, J.X.F., Lance, P., & Vibha, B. (2005). Leisure travel expenditure patterns by family life cycle stages. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 18(2): 15-۳۰.

- Jaumot-Pascual, N., Monteagudo, M. J., Kleiber, D. A., & Cuenca, J. (2016). Gender differences in meaningful leisure following major later life events. *Journal of Leisure Research*, 48(1). 83-103.
- Khairussalleh, N., & Hussain, N. (2017). Women's pattern of use at two recreational parks in Klang Valley, Malaysia. *Alam Cipta*, 10(2), 18-2۵.
- Southerton, Dale (2001). *Consuming Kitchens: Taste, Context and Identity*
- Wegner, Lisa & Alen J. Flisher & Martie Muller & Carl, Lombard (2006). Leisure Boredom and Substance Use among High School Students in South Africa. *Journal of Leisure Research*, vol.38, No.2. P.249-266.
- Formation, *Journal of Consumer Culture*, vol.2, pp.203-1۷۹.
- Namrotha, R. (2017)" Hare or Harnt leisure time behavior in the soviet union" *sociology and social Research vole*, 58, No 4.